

چند یاداشت کارگری

- بحران سیاسی و اقتصادی و نقش طبقه کارگر

- پرستش خداوند و اسلام و پول

- یا مرگ یا عدالت!

جنبش خودجوش توده ها ، فوران آتشفشان خشم و نارضایتی و انزجار از سی سال حاکمیت باندهای مافیائی و جنایتکار جمهوری اسلامی است . عاملی که توده های جان به لب رسیده را به طغیان کشاند سی سال لگدمال شدن و تحمل توهین و تحقیر و بی حقوقی و نا امنی و اجحاف و خفقان و استبداد و تضعیف کثی و تبعیض و فقر و بیکاری و گرانی و تورم و فساد و رانت خواری و باجگیری و غارت و چپاول بود. مبارزات دلیرانه مردم از جان گذشته با درخیمان رژیم باعث تشدید شکاف در حاکمیت و ایجاد زلزله سیاسی شده است. بحران سیاسی و بحران اقتصادی موجود ، شرایط بلقوه مناسبی فراهم کرده ، که طبقه کارگر بتواند ، با برافراشته تر کردن پرچم آزادی تشکل و تحزب و تجمع و اعتصاب ، نقشی سازمانیافته و مؤثر در جهت تعمیق و رادیکالیزه شدن جنبش خود پوی ضد استبدادی توده ها ایفاء کند؛ و مانع از به کژ راهه کشاندن آن توسط جریانهای دسته راستی رانده شده از حکومت و خارج آن و دستگاههای تبلیغاتی وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم شود.

بحران اقتصادی موجود ناشی از اجرای سیاستهای ورشکسته نئو لیبرالیستی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی است که از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی تا به حال به دستورالعمل رسمی رژیم تبدیل شده و بطور پیگیر در عرصه های اقتصادی - اجتماعی دنبال می شود و همه جناحها و باندهای رژیم از جمله آقای میر حسین موسوی در مورد آن وحدت نظر دارند. از شاخصه های این سیاست ، لغو مداخله دولت در مسائل اقتصادی ، آزادی حرکت سرمایه ، کالا ، خدمات ، خصوصی سازی بانک ها ، صنایع ، سیستم حمل و نقل ، برق و آب و مدارس و بیمارستانها و آزادی شرکت های خصوصی از هر محدودیتی ، آزادی تجارت بین المللی و سرمایه گذاری ، عدم کنترل قیمت ها ، برداشتن موانع در تجارت ، برداشتن تعرفه ها و پارانها ، قطع هزینه های عمومی خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت های بهداشتی ، تامین امنیت سرمایه و تنظیم قوانین کاری در راستای منافع سرمایه و بی حقوقی نیروی کار می باشد.

ورشکستگی صنایع

ورشکستگی صنایع نساجی و کفاشی و چای و شکر و ... گسترش شرکتهای پیمانکاری و استخدام موقت و خروج ۹۰ درصد نیروی کار از چتر حمایتی قانون کار، شکاف عمیق طبقاتی ، ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیر شدن فقرا ، همگی نمونه هایی از دست آوردهای این سیاستهای اقتصادی است که " دولت مهرورز و عدالت خواه " احمدی نژاد با تائید رهبر معظم شان همچون دولت " سازندگی " رفسنجانی و دولت " اصلاحات " خاتمی آن را دنبال می کند. رئیس اتاق بازرگانی در مصاحبه با ایلنا می گوید: شهرهای صنعتی کشور با یک سوم ظرفیت خود کار می کنند. بعنوان نمونه، صنایع لبنی با کمتر از ۵۰ درصد ، کارخانه های آرد سازی با کمتر از ۴۵ درصد ظرفیت خود کار می کنند و ۶۰ درصد ظرفیت تولید لوازم خانگی غیر فعالند.

اخراج کارگران ادامه دارد

گزارشات کارگری حاکی از احتمال اخراج هزاران کارگر میدان گازی پارس جنوب ، خطوط تولیدی ال ۹۰ ایران خودرو، تاییدواتر ، آلمینیم اراک و دهها واحد صنعتی دیگر به علت رکود ناشی از همین سیاستهای نئولیبرالیستی است. درگزارش سالیانه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های صنفی (آی تی یو سی) در مورد ایران آمده است : " اقتصاد ایران شدیداً تحت تاثیر تحریم های بین المللی و کاهش قیمت نفت است . بسته شدن کارخانجات و عدم پرداخت دستمزد کارگران هنوز عادی است و دولت رئیس جمهور احمدی نژاد از اقتصاد ضعیف برای توجیه سیاست های سرکوبگرش بهره می گیرد. فعالان صنفی توسط نیروهای امنیتی مورد هدف قرار می گیرند و با احکام عاجز کننده قضائی روبرو می شوند. حکومت برای سرکوب هر نوع اظهار نارضایتی عمومی به قوانین امنیتی متکی است. تعداد زیادی فعالان صنفی توسط دادگاههای انقلاب ، متهم به «تبلیغ علیه نظام» و «به مخاطره انداختن امنیت ملی» شده اند. توهین به فعالان اجتماعی از قبیل شکنجه ، زندان و اعدام متداول است."

کنفدراسیون بین المللی در گزارش خود به دستگیری و ضرب و شتم مداوم و زندانی شدن منصور اسالو دبیرکل اتحادیه کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه و ابراهیم مددی، معاون اسالو و سایر اعضاء و فعالین سندیکای شرکت واحد و دستگیری و زندانی شدن فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران در کردستان و عسلیویه و محکومیت شلاق و زندان چهار فعال کارگری در سنندج که دو نفرشان زن بودند و محکومیت پنج عضو هیئت اجرائی سندیکای نیشکر هفت تپه به زندان و اعتصابات و اعتراضات کارگری در کارخانه کیان تایر و واگن پارس اراک و ایران خودرو اشاره میکند.

رکود و بحران اقتصادی، که نتیجه مستقیم آن، افزایش بیکاری و اخراجهای دسته جمعی است، در کنار بحران حکومتی، چنان نمایندگان حکومتی طبقه سرمایه دار را به وحشت انداخته، که آنها را، به هشدار و چاره اندیشی واداشته است. سایت " الف " وابسته به احمد توکلی (وی وزیر کار مرتجع و ضد کارگر کابینه موسوی در اوایل دهه شصت بود. او می خواست قانون کاری را که، در باب اجاره فقه اسلامی، تدوین کرده بود، و طبق آن، کارگر، باید خود را تحت عنوان کارپذیر اجیر، در اختیار موجر یا کارفرما قرار دهد، به طبقه کارگر تحمیل کند که با واکنش شدید کارگران مواجه شده و مجبور به بازپس گرفتن آن شد. او معتقد بود که در اسلام بازنشستگی نداریم و باید به کارگرانی که توانائی کار ندارند نکات داد.) نسبت به وخیمتر شدن رکود اقتصادی و خطر گسترش اعتراضات و طغیان کارگری هشدار می دهد و می نویسد همه اخبار چند ماه گذشته، دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها (کارگران) دارد... انگیزه اصلی تحرکات آبی ها، نگرانی از گرسنگی خانواده، شیر خشک فرزند، اجاره مسکن آخر ماه، ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است.» این سایت پس از اشاره به گسترش اعتصاب های کارگری در نساجی بوکان، لاستیک دنا، پریس و کشت و صنعت هفت تپه می نویسد: « رکود اقتصادی در کشور رو به وخامت دارد. ظرف یک ماه و نیم گذشته، نرخ بیکاری در تهران ۳ در صد بالا رفته و ۱۶۴۶ نفر به خیل کارگران بیکار پیوسته اند و ۲۰۰ هزار کارگر در ۵۰۰ کارخانه ایران بین ۳ تا ۵۰ ماه حقوق خود را دریافت نکرده اند». البته باید به این نکته توجه داشت که آمار و ارقام و اطلاعات ارائه شده فقط مربوط به کارگاههای بیش از ده نفر و کارگرانی می شود که تحت پوشش وزارت کار می باشند و فقط بیان کننده ده درصد فاجعه است.

در گزارش سالیانه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های صنفی (آی تی یو سی) آمده است که از هفت میلیون و دویست هزار نفر کارگر فقط ۷۰۰۰۰۰ نفر تحت پوشش وزارت کار هستند زیرا قانون کار شامل کارگاههایی می شود که از ده کارگر بیشتر باشند و به این ترتیب حدود ۹۰ درصد کارگران فاقد پشتیبانی قانونی هستند و بدون هیچگونه امنیت شغلی و بیمه خدمات درمانی و ازکارافتادگی و بازنشستگی با حداقل حقوق و در بسیاری موارد کمتر از آن تحت بدترین شرایط کار کنند. حال یک لحظه در نظر بگیرید با چنین دستمزدی که یکسوم خط فقر است و آن را هم بین ۳ تا ۵۰ ماه به تعویق می افتد کارگران چگونه زندگی می کنند.

دهقان کیا عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار می گوید: « بیش از هفت میلیون و ۲۰۰ هزار کارگر در این کشور زندگی می کنند که سرنوشت مزدی برای آنان مهم است و می خواهند بدانند بانک مرکزی چگونه گوشت، مرغ، شیر، روغن نباتی و سایر اقلام مصرفی خانواده ها را ارزان شده می داند؟ » در چنین وانفسانی است که رضا رخشان مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران هفت تپه در مصاحبه با دویچه وله ضمن دادن خبر محکومیت پنج نفر از اعضاء سندیکای هفت تپه می گوید: نگرانی ما از اخراج احتمالی این افراد پس از زندان است. او اتهام این افراد را «اقدام علیه امنیت ملی از طریق انجام مصاحبه با رسانه های بیگانه» اعلام می کند و می گوید وی و دوستانش نگران زندان نیستند چون می دانند زندان بالاخره تمام می شود، اما آن چیزی که این کارگران را نگران کرده احتمال اخراج آنها پس از زندان است. رخشان می گوید: « ما می دانیم آنچه که مد نظر آقایان است اخراج ماست. برای کارگر، حکم اعدام زمانی است که از کار اخراج شود و الان نگران این مسئله هستند و خانواده ها اوضاع ملتهبی دارند.»

بیکار عدالتخواهانه کارگران ادامه دارد

طی دهه اخیر به طور متوسط سالانه بیش از هفتصد حرکت اعتصابی و اعتراضی کارگری وجود داشته است که از جمله دستاوردهای آن پی بردن به ضرورت اتحاد و همبستگی و داشتن تشکیلات مستقل برای رسیدن به خواستههای برحق است. کارگران آگاه و رزمنده شرکت واحد و نیشکر هفت تپه و ایران خودرو و کیان تایر با بیکار دلیرانه خود پرچم آزادیخواهانه و عدالت پژوهانه خود را در راه ایجاد تشکل مستقل برافراشتند. آنها در راه آزادی بیان و قلم و مطبوعات و تشکیلات و اجتماعات و اعتصاب هزاران فداکاری و ایثار کردند و سرمشق خوبی برای همه زحمتکشان و جوانان و زنان انقلابی کشورمان هستند.

جنبش دانشجویی و جنبش زنان و روشنفکران و همه آزادیخواهانی که ستون فقرات جنبش خودپوی ضد استبدادی هستند باید به این امر بسیار مهم توجه داشته باشند که آموختن از جنبش کارگری و همبستگی با این جنبش و تقویت آن تنها تضمین رسیدن به آزادی واقعی است!

در شرایط فعلی مهمترین مطالبات محوری جنبش کارگری

- ۱- داشتن تشکیلات مستقل سندیکائی است.
- ۲- آزادی بی قید و شرط همه فعالین سندیکائی و لغو همه احکام بیدادگاههای رژیم و بازگشت آنها به کار و پرداخت غرامت به آنها
- ۳- تامین و تضمین امنیت شغلی و ممانعت از اخراج کارگران بدون تائید تشکیلات مستقل سندیکائی
- ۴- لغو قراردادهای موقت
- ۵- برخورداری همه کارگران بخشهای مختلف صنایع، کارگاهها، اصناف و کشاورزی و خدمات از چتر حمایتی قانون کار
- ۶- افزایش دستمزدها و پرداخت به موقع آن است.

تنها با به میدان آمدن متشکل کارگران و اعتصاب عمومی و پیوستن جنبش دموکراتیک زنان، دانشجویان و جوانان و روشنفکران و سایر اقشار اجتماعی به این اعتصاب است که می توان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را فلج ساخت و با تعرض و موضع برتر وی را به عقب نشینی وادار کرد. شرایط فروپاشی جمهوری اسلامی از همینجا آغاز میگردد. زنده باد رزم متحد کارگران! سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

۲- پرستش خداوند و اسلام و پول شکاف عظیم میان دارا و ندار

تفاوت میان دارا و ندار در ایران ابعاد نگران آوری بخود گرفته است. اقلیتی معدود ثروتهای کلانی در دست خود متمرکز ساخته و زندگی پر تجملی را برای خود فراهم آورده است. دو قطب فقر و ثروت و شکاف عظیمی که این دورا از یکدیگر جدا میکند در تاریخ یک قرن اخیر بی بدیل است. این اختلاف شدید طبقاتی برای رژیمی که خود را حامی مردم فقیر و زحمتکش مینمایاند، برای رژیمی که در گذشته وعده های فریبنده داده و هنوز هم میدهد ننگین و شرم آور است و سردمداران جمهوری اسلامی را دچار بیم و هراس گردانیده است. آنها همیشه تبلیغ کرده و میکنند که اسلام فقر و ثروت را در کنار هم نمی پذیرد، ثروتمندان باید پیوسته در فکر تنگدستان باشند. و در تائید این نظر سخنان علی را به شهادت بگیرند. لیکن اکنون این تبلیغات سی ساله و باید گنت یک هزار و چهار صدساله پوچ و واهی از آب درآمده اندبا این وضع بی دلیل نیست که مردم ایران دیگر به اسلام دل نمی بندند و برای اسلام " راستینش" هم نیز تره خورد نمی کنند.

رهبر باند کودتا گر، علی خامنه ای که از روی مکر و ریا به ثروتمندان اندرز میدهد: " از خدا غافل نشوید، در خدمت محرومان باشید، از آندوختن ثروت و تجمل گرایی بپرهیزید". اما نظام سرمایه داری هیچیک از این سه اندرز را بگوش نمی گیرد چون با حیات و حرکت اوسازگار نیست. یک سرمایه دار خدائی جز پول نمی شناسد و کسی یا چیزی را جز پول نمی پرستد، در برابر پول خدای دیگری نیست. در برابر پول قدرت دیگری بحساب نمی آید. او میداند که هرکاری را هراندازه زشت و نفرت انگیز باشد با قدرت پول میتوان پیش برد. درحالی که از قادر متعال هیچ کاری بر نمی آید. چگونه ممکن است او پرستش خداوند را بر پرستش پول برتری دهد؟

اخیرا گزارشی از خبرگزاری کار ایران (ایلنا مورخ ۲۹ مهرماه) در مورد حقوق پائین کارگران و کارمندان انتشار یافته است. با یک نگاه به این گزارش به سادگی می توان پی برد که اکثریت مزدگیران زحمتکش ایران تحت چه شرایط اسفناکی بسر می برند و چگونه در چنگال نظام سرمایه داری و بیماری حاصل از آن، گرانی و تورم و هرج و مرج اقتصادی و دست مزد پائین اسیرند. این تازه آمار رسمی است و واقعیت این است که دست مزد کارگران در عمل هنوز پائین تر از آن چیزی است که دولت تعیین نموده است. در ایران قانون جنگل حاکم است و سیاست اقتصادی و نتولیرالی رژیم سرمایه داری اسلامی حد اقل حقوق مزدگیران را مورد یورش وحشیانه قرار داده است. مردم می پرسند وعده پول نفتی که قرار بود بر سر سفره زحمتکشان بیاید به شکم چه کسانی ریخته شده و میشود. تولید ۴/۵ میلیون بشکه نفت در روز با قیمت نجومی ۱۴۰ دلار و ۹۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال های گذشته صرف چه مسائلی در مملکت شده و میشود. کارگری که

قدرت ابتیاع یک کیلو گوشت گوسفند را ندارد و کمرش زیر بار پرداخت اجاره ماهانه ۴۵۰ هزار تومان برای ۲ اتاق کوچک (۵۵ متر مربع) آنهم در منطقه متوسط و یا فقرنشین تهران خم شده است می پرسد این ساختمانهای سر به فلک کشیده، این اتوموبیل های آخرین مدل، این رستورانهای مدرن و با استانداردهای اروپائی، این میوه جات رنگارنگ و این همه ریخت و پاشهای سفر به کیش و دوی و فرنگ... آری اینهمه نعمت و فراوانی در اختیار چه کسانیست. آیا جز این است این ملایان دروغگو و ریاکار و با این رئیس جمهور تقلبی و شارلاتانشان در حرف از بی چیزان دفاع میکنند لیکن در عمل از گردن کلفتیهای بازاری، آقا زاده ها و سرمایه داران زالو صفت که به غارت و چپاول پول نفت و دسترنج کارگران مشغولند. رژیم که اینهمه نسبت به اغنیاء رؤف است و به آنها مهرمی ورزد اما نسبت به فقرا و بی چیزان که برای حقوق حقه خود، حقوق معوقه خود، حقوقی که بیش از ۱۳ ماه هنوز پرداخت نشده است، به کارگرانی که برای تشکیل اتحادیه مستقل تلاش میکنند تا از حقوق خود بهتر دفاع نمایند... خشن و بیرحمانه برخورد کرده، بیشرمانه با انگ "انقلاب مخملی و نرم" بشدت آنها را سرکوب و به بند میکشد. منصور اسالو رئیس اتحادیه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و دهها تن از فعالین کارگری به جرم بیان حقیقت در زندان بسر می برند و رژیم تشکیل اتحادیه های حرفه ای کارگران را مضر به حال بقای پوسیده اش می بیند و از همین رو بشدت از شکلگیری آنها ممانعت بعمل می آورد..

وضعیت وخیم اقتصادی و ترور و اختناق کنونی غیر قابل تحمل است و صد ها اعتصاب کارگری در ماههای اخیر و رو در رو شدن کارگران با نیروی های مسلح و امنیتی رژیم سرمایه در اهواز، کارگران لوله سازی، درنیشکر هفت تپه و یا ایران خودرو... نشان از اراده و عزم کارگران برای زندگی بهتر، نه فقط برای خود بلکه برای همه مردم زحمتکش است. اگر این مبارزات تحت رهبری صحیح سیاسی قرار گیرد رژیم را فلج کرده و نتایج درخشانی ببار خواهد آورد. چاره رنجبران برای رهائی از فقر و گرانی و بی حقوقی وحدت و تشکیلات است. تنها با متشکل شدن و بیکار جمعی است که می توان گام به گام رژیم را به عقب نشینی وادار نمود و حق را بزور از حلقومش بیرون کشید. حال به گزارش زیر که نکات قابل توجه ای در آن نهفته است نگاه کنید تا پی به اوضاع وخیم اقتصادی و شرایط دهشتناک حقوقی و معیشتی کارگران ببیرید:

« در همه شهر که گم می شوی این تنها کارگران هستند که می توانند تو را با خود به انتهای درد بکشانند و بوی ناخوشایند زندگی را روی سرت پخش کنند. باور کنید این يك واقعیت است؛ کارگر بودن در روزگار امروز اقتصاد ایران سخت شده است و طعم کس زندگی را در گوشه دهان همیشگی می کند. البته راه برای همه باز است. یعنی هر کس که بیکار است می تواند برای درنگی جامه کارگری بر تن کند. در این شهر هستند مشاغلی که انتظار بیکاران را می کشند؛ مشاغلی که در آنها از قوانین کار، بیمه و حداقل حقوقی که همواره چالش بین کارگر و کارفرما بوده است، خبری نیست.

این مشاغل نه مشاغل زیرپله ای و غیرقانونی هستند که دولت خبری از آنها نداشته باشد و نه در جمع مشاغلی دسته بندی می شوند که پاره وقت بوده و نظارتی هم بر روی حقوق و دستمزد آنها اعمال نمی شود.

این مشاغل جزو آن دسته از مشاغلی هستند که هر روز در نیازمندی های صبح تهران آگهی می شوند و هر روز جویندگان کار در نیازمندی های صبح تهران در رویای به دست آوردن کار به آنها نگاه می کنند و شاید هم صدها مسئول و شاغل بر آن نظر انداخته و بدون کنجاوی از کنار آن بگذرند.

اما جویندگان کار به طور مداوم هشت دکمه تلفن را پی در پی فشار می دهند و با شنیدن حقوق و مزایایی که هیچ نشانی از حداقل حقوق و دستمزد ندارند گوشی را گذاشته و شانس خود را بار دیگر با آگهی دیگری امتحان می کنند و اگر هم جست و جوی طولانی برای پیدا کردن کار حداقل حقوق و بیمه را از یاد آنها برده باشد و آنها تنها به فکر پیدا کردن شغلی باشند برای پر کردن فرم و پیوستن به جمع تمامی دیگر جویندگان کاری که حداقل حقوق را فراموش کرده اند آدرس را دریافت کرده و با ناامیدی فرم درخواست کار را پر می کنند تا بتوانند از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر در يك کارگاه بسته بندی پوشاک مشغول به کار شده و ماهی ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تومان حقوق بگیرند و یا در کارگاه مشابهی که کمی منصفانه تر به حقوق کارگران نگاه کرده است ۱۰ ساعت کار کنند و ۲۲۰ هزار تومان حقوق بگیرند و بعد از يك سال نیز امیدوار باشند که بیمه شوند.

کارگاه های بسته بندی تنها نشان این بی توجهی به حق و حقوق کارگران نیستند، فروشندگان پوشاک و لوازم آرایشی و بهداشتی و به طور کل تمامی فروشندگان از این قاعده مستثنی نبوده و از جمع بیکارانی که مهارتی در تولید نداشته و به پشتوانه فن بیان خوبی که دارند جذب آن می شوند، نیز در این جرگه قرار می گیرند.

فروشنده تازه کار برای حدود ۱۲ ساعت کار ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تومان حقوق دریافت می کند و فروشندگان باتجربه نیز ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان حقوق خواهند گرفت و اگر بتوانند در این راه مهارت از خود نشان داده و فروش خوبی را در پرونده کاری ماهیانه خود ثبت کنند، پورسانت نیز دریافت خواهند کرد، اما از بیمه خبری نیست.

اوضاع در بازار تایبست‌ها خیلی نگران کننده‌تر است، برای هر صفحه تایپی ۱۲۰ تومان پرداخت می‌شود و یا تایبست استخدام شده از ساعت ۸/۳۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر پشت مانیتور نشسته و تایپ می‌کند و در نهایت هم ماهی ۲۳۰ هزار تومان حقوق دریافت خواهد کرد.

در این میان کارگران ساده نیز جدای از این وادی بی قانون نیستند. در حالی که تعیین حداقل حقوق کارگران در ماه‌های پایانی هر سال و نیز در ماه‌های ابتدایی سال، به چالشی بزرگ بین کارگران و کارفرماها تبدیل شده و جلسات مختلف در شورای عالی کار برای رسیدن به رقم واحدی برای آن برگزار می‌شود و هر یک از طرفین یعنی کارگران و کارفرمایان در تلاش هستند تا حقوق و دستمزد را بر اساس منافع خود بالا و پایین کنند، کارگران ساده از این چالش بی‌بهره بوده و حقوق روزمزدی حدود هشت هزار تومان دریافت می‌کنند که با احتساب چهار روز تعطیلی ماهیانه، حقوق دریافتی آنها ماهی ۲۰۸ هزار تومان خواهد بود.

همچنین کارگری برای ۱۲ ساعت کار چسب زنی کفش که از ۸ صبح تا ۸ شب خواهد بود روزی ۱۰ هزار تومان حقوق خواهد گرفت.

در این بین واژه کارمند نیز که کمی خوش‌بینی در خصوص حقوق دریافتی را به ذهن می‌رساند تاثیری بر این حقوق دریافتی نداشته و کارمندان آشنا به کامپیوتر برای کار کردن در کافی‌نت نیز برای ۱۲ ساعت کار یعنی از ۹ صبح تا ۹ شب ۲۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند.

این در حالیست که کارمند دفتری نیز که هشت ساعت کار را تجربه خواهد کرد حقوقی معادل ۲۰۰ هزار تومان با ۱۵ درصد پورسانت خواهد داشت.

همچنین با وجود اینکه در آگهی‌های اشتغال، حقوق منشی‌ها حدود ۳۰۰ هزار تومان قید شده و حتی در برخی از موارد در آگهی‌های استخدام منشی این حقوق‌ها ارقامی از ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان را نشان می‌دهند، اما در بسیاری از موارد منشی‌ها نیز حقوق مناسبی دریافت نمی‌کنند، آنها در قبال هشت تا نه ساعت کار ۲۰۰ هزار تومان، و حتی با توجه به پاره وقت بودن و یا نوع کار که پاسخگویی به تلفن، تایپ نامه‌ها و ... باشد حقوقی کمتر نیز دریافت خواهند کرد. رقم ۲۰۰ هزار تومانی حقوق کارگران که این روزها بیش از حداقل حقوق کارگران در بین کارفرماها به عرف تبدیل شده و نخستین رقمی که به جویندگان کار در نیازمندی‌های صبح اعلام می‌شود حول این ارقام می‌گردد، حدود ۷۰ هزار تومان با حداقل حقوقی که وزارت کار برای دستمزد یک ماهه کارگران در نظر گرفته است، تفاوت دارد.

این در حالیست که در سال‌های اخیر با رشد مشاغل بازاریابی در دنیای بازاریابان، حقوق ثابت معنای چندانی ندارد و بیشتر کارفرمایی که جویندگان کار را به منظور بازاریابی به استخدام در می‌آورند از ابتدا در خصوص درصد پورسانت با جوینده کار صحبت می‌کنند و بسیاری از آنها اگر حقوق ثابتی هم برای این منظور در نظر گرفته باشند، این امر را یک مزیت می‌دانند که در کنار پورسانت پرداختی حقوق ثابتی نیز به فرد پرداخت می‌کنند.

اما این پایان راه حقوق و دستمزد نیروی کار بیکار نیست و پایتخت شلوغ ایران نیز تنها پایگاه نادیده گرفتن حقوق و مزایای کارگران نیست، چرا که در سایر شهرهای کشور اوضاع از این هم بغرنج‌تر است، در سایر شهرها حقوق دریافتی حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند. بیشتر کارفرمایی که نمی‌خواهند نیروی کار خود را بیمه کرده و برطبق قانون کار حقوق پرداخت کنند، حدود ۱۵۰ هزار تومان حقوق ثابت پرداخت کرده و در کنار آن حق پورسانتی نیز برای نیروی خود در نظر می‌گیرند.

پرداخت حقوق‌هایی به دور از قوانین کار در حالی رقم می‌خورد که مدتی است ماجرای تعیین حداقل حقوق کارگران دوبار در سال مطرح شد و البته با مخالفت‌هایی که با اجرایی شدن آن صورت گرفت حدود یک ماه است که به فراموشی سپرده شده است و این در حالیست که زیر پوست این شهر و سایر شهرهای کشور مشاغلی انتظار کارگران را می‌کشد که چالش‌های تعیین حداقل دستمزد، افزایش آن بر اساس تورم و کاهش آن بر اساس مصلحت کارفرماها نقشی در آن ندارد و اینجا قانون خودش را دارد، زیرا نیروی کار فراوان دست کارفرما را برای یافتن نیروی کار بیکار با پرداخت حقوق و مزایایی که اجحاف در حق کارگران را به نمایش می‌گذارد، باز گذاشته است و در پس این اوضاع نگران کننده بیکاری حقوق و دستمزد کارگرانی که نظارتی بر ساعت کار، حقوق دریافتی و پرداخت حق بیمه آنها نمی‌شود، بیکاران قربانیان، معضل بیکاری هستند تا برای ۱۲ ساعت کار یعنی چهار ساعت بیش از ساعت کار قانونی حقوقی کمتر از حداقل حقوق دریافت کنند و به حقوق ۲۰۰ هزار تومانی رضایت دهند.»

۳- یا مرگ یا عدالت!

در حاشیه حمله وحشیانه به کارگران لوله سازی اهواز

کارگران لوله سازی اهواز در اعتراض به عدم پرداخت ۱۳ ماه مطالبات معوقه با عزمی راسخ به میدان آمدند و قاطعانه درمقابل کارفرما و دولت حامی آن صف آرایی کردند. چهار راه نادری درطول ده روز به محل تظاهرات و اعتراضات کارگران لوله سازی اهواز تبدیل شد. نیروی انتظامی سرانجام عنان از دست داد و امروز سه شنبه ۵ آبان با حمله به تجمع اعتراضی کارگران و ضرب و شتم و مجروح ساختن دهها نفر پاسخ مطالبات بر حق کارگران شریف را اینچنین وحشیانه داد. طبق اخبار رسیده نزدیک به ۵۰ نفر بازداشت شدند. کارگران شجاع جسورانه با شعارهایی نظیر **"زندگی در ایران حق مسلم ماست"**، **"دولت کودتا استعفاستعفا"**، **"یا مرگ یا عدالت"** **"نصر من اله وفتح قریب مرگ بر این دولت مردم فریب"**... آنچه در توان داشتند بکارگرفتند و بسیاری از مردم در دفاع از کارگران به صفوف تظاهرات پیوستند. اخبار و گزارشات دریافتی حاکی از آن است که با تداوم اعتراضات کارگران لوله سازی اهواز بسیاری از مردم به دفاع از این حرکت برخاسته و با آنها اعلام همبستگی کرده اند. همین امر و خطر سرایت این اعتراضات به سایر نقاط ایران دولت را به وحشت مرگ انداخت و وعده داد بزودی بخشی از مطالبات کارگران را متحقق خواهد کرد.

حزب ما بارها بطور روشن و شفاف بیان داشته است که رژیم جمهوری اسلامی به منظور تحقق رشد و توسعه اقتصادی و ممانعت از این که دولت به کارفرمای بزرگ بدل شود به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسانید که مالکیت و مدیریت بخش های مذکور در اصل ۴۴ قانون اساسی مجاز است. مطابق این اصل که یکی از دستاوردهای انقلاب بهمن بود، دولت حق نداشت بخش عمده صنایع و بانکها و مؤسسات تولیدی و بازرگانی را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد تا هر بلائی خواستند با استناد به مقدس بودن اصل مالکیت خصوصی بر سر مردم بیاورند. در همین رابطه می توان علت تظاهرات کارگران لوله سازی اهواز را که از طریق خبرگزاری کار ایران، ایلنا گزارش شده ملاحظه نمود تا پی به سیاستهای خائنانه برانداز و ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی برد:

«کارگران چه میگویند؟ لوله سازی اهواز ۶۰۰ کارگر قراردادی و رسمی دارد که در آن از نوب کردن فلزات ضایعاتی، اوراق شده و اسقاطی لوله های چدنی ساخته می شود، این کارخانه ۷ سال پیش خصوصی سازی شد و به تدریج از آن به عنوان یکی از واحدهای بحران زده کارگری در اخبار نامبرده شد. آقایار حسینی، دبیر اجرایی خانه کارگر که در روزهای گذشته چندین بار از تجمع اعتراضی کارگران این کارخانه خبر داده بود، در دفاع از کارگران لوله سازی اهواز می گوید: در ۷ سال گذشته مدیران و سهامداران حاصل کار کارگران را فروختند و به اعتبار آن چندین میلیارد وام گرفتند بدون آنکه نسبت به پرداخت مطالبات کارگران احساس مسوولیت کنند. یزدانی نیز که برابر قانون نماینده کارگران لوله سازی اهواز در شورای اسلامی کار است؛ می گوید: از زمان واگذاری تاکنون ۷ سال می گذرد و در این سالها سهام کارخانه چندین بار به صورت وکالتی به اشخاص مختلف واگذار شده است و به تبع آن سهامداران علاوه بر دستیابی به درآمد کارخانه، از وام بانکی نیز استفاده کرده اند؛ بدون آنکه نسبت به کارخانه و کارگران احساس مسوولیت کنند. به گفته این فعال کارگری نتیجه این اقدام نبود مواد اولیه، توقف تولید و انباشته شدن طلب کارگران و در نهایت به وجود آمدن وضع کنونی است. وی افزود: تا پیش از تجمع های هفته گذشته که به درگیری صبح امروز ختم شد، قرار بود وامی ۷/۵ میلیارد تومانی به کارخانه پرداخت شود اما در همان ابتدا بابت بدهی های معوقه ۵ میلیارد تومان از این وام کسر شد و پرداخت ۲/۵ میلیارد تومان باقیمانده هم هر چند به تصویب رسید اما هنوز پرداخت نشده است. کارگران قربانی شده اند اقتصاد ایران را بیمار می نامند و هم از کارگر گرفته تا کارفرما و کارشناس وجود این بیماری را حس کرده و قبول دارند. بازخوانی پرونده خانواده کارگرانی که در پی خصوصی سازی های خارج از چارچوب از هم پاشیده شد ثابت می کند که فساد اقتصادی، فقر مالی می آورد و از این فقر، فحشا درست می شود. پرونده خصوصی سازی لوله سازی اهواز و سرنوشت امروز کارگران آن شاید در نوع خود جزء تازه ترین ها محسوب شود. یزدانی، نماینده کارگران به نقل از شنیده های خود می گوید: در سال ۸۲ که کارخانه واگذار شد ارزش آن را حدود ۷۰ میلیارد تومان بر آورد می کردند، اما می گویند فردی که ابتدا سهام کارخانه را خرید و پس از مدتی آنرا واگذار کرد حتی یک میلیارد تومان هم بابت کارخانه هزینه نکرد. به گفته یزدانی بر اساس آمار ۶۰۰ نفری کارگران لوله سازی اهواز، این کارخانه حداقل نان یک خانواده ۲۴۰۰ نفری را در ازای کار کارگران تامین می کند اما از زمان واگذاری تاکنون و به ویژه در ماه های اخیر این نارسانی متوقف شده است. در حالت عادی شاید سخن گفتن از مشکلات خانوادگی و آلوده شدن اعضای یک خانواده به جرایم باشد، اما برای کسانی که ۱۳ ماه حقوق نگرفته اند وضع تفاوت است، یزدانی خیلی مختصر می گوید:

در این ۱۳ ماه خیلی از کارگران داروندار خود را فروختند؛ زیر بار غرض رفتند تا شرافت خانواده خود را حفظ کنند اما در نهایت کم آوردند خانواده هایی از هم پاشیده شده و حتی برخی نیز دچار آسیب های اجتماعی گرفتار شدند. در سال های گذشته نیروی انتظامی که وظیفه برقراری نظم عمومی را دارد چندین بار با تجمع های کارگری برخورد کرده

است، ماجرای کارگران شهر بابک در سال ۸۲، ماجرای کارگران فرش البرز در سال ۸۵، ماجرای کارگران لاستیک البرز در سال ۸۶ و... ممکن است گفته شود که تمامی این برخوردها در راستای قانون و انجام وظیفه بوده است اما می‌توان پرسید که مسئولان برقراری نظم عمومی چندبار با کسانی که با اهمال و یا بی‌تدبیری خود کارگران معترض را به خیابان‌ها کشانده‌اند برخورد کرده است؟»

اینها بخشی از حقایقی است که خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی مجبور به اعتراف است و نمی‌تواند به انکار آن بپردازد. اجرای سیاستهای نئولیبرالی مدتهاست به دلمشغولی‌های تمام جناحهای رژیم جمهوری اسلامی تبدیل گردیده است. کارگران ایران که خود نیروی خلق‌کننده ثروت اجتماعی هستند دروضع رقت باری زندگی می‌گذرانند و با وجود گرانی کم نظیر مایحتاج اولیه زندگی، مزد ناچیزی دریافت می‌دارند و کارفرمایان از پرداخت همین مزد ناچیز دریغ می‌ورزند و ماهها طول میکشد تا حقوق کارگران را بپردازند. حال با حذف پارانه های مواد اولیه زندگی باید منتظر تلاطمات و خیزشهای عمومی باشیم و رژیم نیز تدابیری برای پیش‌گیری از طغیان‌های احتمالی کارگران و زحمتکشان گرسنه دیده است. اکنون دیگر کارد به استخوان رسیده است و کارگران به وعده‌ها و دروغهای رژیم جمهوری اسلامی امید نمی‌بندند و برای افزایش دستمزد و بهبود زندگی با قدرت و قاطعیت بیشتری به اعتصاب دست می‌زنند و میکوشند مطالبات خود را به کرسی بنشانند. سرمایه‌داران که منافعشان در وجود حکومت جمهوری اسلامی تامین میگردد از پرداخت دستمزد کارگران خودداری میکنند و کارگران را مورد تحقیر قرار داده و حقوق آنان و خانواده آنان را پایمال می‌کنند. سرمایه‌داران گردن کلفت با نپرداختن دستمزد کارگران درحقیقت مال آنها را می‌زدند و مامورین قدرت سیاسی بجای اینکه دزد را بگیرند قربانی دزدی را به اسارت می‌گیرند و از وی می‌خواهند که به دزدها اعتراضی نکنند و مجانی برای دزدان کار کنند. این است آن مذهبی که حکومت بمثابه افیون توده‌ها از آن سود می‌جوید تا سرمایه‌داران را درکف حمایت خود بگیرد. ولی کارگران از مبارزه برای حقوق خود باز نمی‌ایستند. آنها به اشکال مختلف نظیر مسدود کردن جاده‌ها، تحصن، اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات، انتشار اعلامیه و جمع‌آوری امضاء، تجمع در داخل و خارج کارخانه و درمقابل مجلس، وزارتخانه، خانه کارگر، شهرداری... دست به مبارزه زده و از زندان، شلاق و بگیر و ببندهای جمهوری اسلامی نمی‌هراسند. قاطعیت و برآمد متحدانه چند روزه اخیر کارگران لوله‌سازی اهواز سرانجام کارفرما را وادار به عقب‌نشینی خواهند کرد. اگر چنین شود این یک پیروزی و لوجزئی و محدود برای کارگران خواهد بود و این امر بر اعتماد بنفوس، روحیه تعرضی و تشکل‌یابی کارگران خواهد افزود. موفقیت‌هایی که در کارمبارزه بدست می‌آید، حاکی از توانایی روز افزون کارگران و ناتوانی رژیم سرمایه‌داری است و این عدم توازن همواره بیشتر بسود کارگران خواهد چربید. حزب کارایران (توفان) از پیکار عادلانه کارگران لوله‌سازی اهواز عمیقا حمایت کرده و خواستهای آنها را برحق و انسانی می‌داند. حزب ما حملات وحشیانه و ضرب و شتم کارگران لوله‌سازی اهواز را قویا محکوم میکند و از همه آزادیخواهان می‌خواهد به حمایت از این کارگران شریف بر خیزند. تنها اتحاد طبقاتی و تشکل طبقه کارگراست که شرط نخست سایر موفقیت‌های وی بشمار می‌رود. چاره کارگران حزب طبقه کارگراست که به دانش مارکسیسم لنینیسم مسلح باشد و باید از این طریق و فقط از این طریق منطقی و طبقاتی، مرگ نظام فقر آور و نکبت‌بار سرمایه‌داری وحشی را فراهم آورند.

نشریه الکترونیکی حزب کارایران شماره ۴۰ آبان ۱۳۸۸

www.toufan.org

toufan@toufan.org